

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امکان سنجی و شرایط کاهش کیفر سلب حیات

نظام کیفری ایران

تألیف

دکتر مونا زید شفیعی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

وکیل پایه یک دادگستری

سرشناسه	زید شفیعی، مونا، ۱۳۶۰-
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام / Iran. Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	امکان سنجی و شرایط کاهش کیفر سلب حیات در نظام کیفری ایران مونا زید شفیعی
مشخصات نشر	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۵۷-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: حکم اعدام - ایران
موضوع	: Capital Punishment- - Iran
موضوع	: حقوق جزا - ایران
موضوع	: Criminal Law- - Iran
موضوع	: حکم اعدام
موضوع	: Capital Punishment
رده‌بندی کنگ	: ۱۳۹۷ الف ۹/۳۹۶۴ KMH
رده‌بندی دیوید	: ۳۴۵/۵۵۰۷۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۷۳،۶۵



عنوان کتاب: امکان سنجی و شرایط کاهش کیفر سلب حیات در نظام کیفری ایران

تألیف: دکتر مونا زید شفیعی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۵۷-۲

<http://www.jangal.com>

[email: info@junglepup.org](mailto:info@junglepup.org)

تلفن: ۵۴۱۱۳ - ۶۶۴۸۲۸۳۰ - ۹ - ۶۶۴۸۶۱۱۵ - ۶۶۴۸۶۱۱۵ - ۲۱

۰۳۱ - ۳۳۲۰۵۰۰۵ - ۳۳۲۰۳۸۰۰ - ۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

چکیده

کیزر سلب حیات، به معنای محروم کردن مجرم از «حق حیات» و ادامه‌ی زندگی به عنوان شدیدترین کیفر سیستم عدالت کیفری مطرح است. امروزه افزایش اجرای کیفر سلب حیات در حقوق کیفری ایران، نگرانی‌های ملی و بین‌المللی ایجاد نموده است و آمار فزاینده‌ی اجرای کیفر سلب حیات در نظام کیفری ایران، زنگ خطری برای تمام ره‌پویان عدالت واقعی است. به گونه‌ای که این امر همواره یکی از ایرادات مطرح از منظر مباحث حقوق بشری است. وجود کیفر سلب حیات در سوزی جرایم مستوجب حد، قصاص و تعزیر، ایران را در صدر کشورهای مجری کیفر سلب حیات قرار می‌دهد. به گونه‌ای که مطابق اظهارات گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل، در سال ۲۰۱۳ ایران از نظر فراوانی اجرای کیفر سلب حیات، بعد از چین قرار داشته و در سال ۲۰۱۱ نیز، ایران در ردیف اول بوده است. طبق گزارش احمد شهید، تعداد اعدام‌شدگان در ایران از اول ژوئیه ۲۰۱۳ تا آخر ژوئن ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ۹۲ تا ۱۰ تیر ۹۳) ۸۵۲ نفر بوده است. همچنین در ۶ ماهه‌ی اول سال ۲۰۱۴ تعداد ۴۱۱ نفر اعدام شدند که ۸ نفر آن‌ها هنگام ارنخاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشتند.

این در حالی است که در سال‌های اخیر، کوشش قابل توجهی برای کاهش آمار فزاینده‌ی اجرای کیفر سلب حیات در ایران انجام نشده است. از آموزه‌های حقوق کیفری این است که توسل به شدیدترین کیفر، همواره باید به عنوان «آخرین حربه» استفاده شود ولی در قوانین کیفری ایران، کیفر سلب حیات به سهولت، در دسترس است. به واقع، فقدان آثار قابل توجه در این زمینه، نگارنده را برآن داشت که در این حوزه، تحقیق نمایم.

روش تحقیق در این اثر، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده است. حاصل این اثر، علی‌رغم کاستی‌های مورد اذعان نگارنده، این است که توانسته است توجه عمومی علما و صاحب‌نظران را به اهمیت و حساسیت اجرای کیفر سلب حیات در جامعه‌ی ایرانی جلب کند و این کیفر را از یک موضوع جرم‌شناختی و قانونی صرف، خارج نماید. همچنین امکان کاهش اجرای این کیفر را در قوانین کیفری ایران مورد سنجش قرار داده و به این مطلوب دست یافته است که قوانین کیفری ایران، علی‌رغم خاستگاه‌های شرعی و فقهی، اجازه و امکان کاهش کیفر سلب حیات را می‌دهد و ظرفیت لازم برای تحقق این کاهش، موجود است. در قلمرو حدود، بازاندیشی در تفکرات سنتی، اجتهاد و ارایه‌ی دیدگاه‌های نوین، به‌هیز از عناوین مجرمانه‌ی «محارب»، «در حکم محارب»، «مفسد فی الارض» و «در حکم مفسد فی الارض»، راهکار عملی کاهش کیفر سلب حیات است. در قلمرو قصاص، تأکید بر تمرکز بر بخشش و گذشت از جانب اولیای دم به‌ویژه در قتل‌های «اتفاقی و هیجانی» که بدون تقصیر و سوءنیت مرتکب رخ می‌دهد و نیز پرهیز قانونگذار از به‌کار بردن عنوان مجرمانه‌ی قتل عمد، در قتل‌هایی که ناشی از خشم ناگهانی است، راهکار عملی کاهش کیفر سلب حیات است. با تأکید بر اینکه کیفر سلب حیات، باید تنها در هنگام ضرورت اجرا شود نه آن‌که دستاویزی برای تمام قصورها و کاستی‌های سیستم عدالت کیفری باشد.

واژگان کلیدی:

کیفر سلب حیات، حق حیات، حقوق بشر، حدود، قصاص، تعزیرات

فصل نخست. گزیده‌ی کیفر سلب حیات در نظام کیفری ایران

- ۳..... مبحث نخست: کیفر سلب حیات در مقام حق عمومی (حق الهی)
- ۴..... گفتار نخست: حدود مستوجب کیفر سلب حیات برای حفظ نسل
- ۶..... گفتار دوم: حدود مستوجب کیفر سلب حیات برای حفظ نظم
- ۶..... بند نخست: محاربه
- ۸..... بند دوم: افساد فی الارض
- ۱۳..... بند سوم: بغی
- ۱۴..... گفتار سوم: حدود مستوجب کیفر سلب حیات برای حفظ دین
- ۱۴..... بند نخست: ارتداد
- ۱۵..... بند دوم: سب‌النبی
- ۱۶..... بند سوم: ادعای نبوت
- ۱۷..... بند چهارم: سحر و جادوگری
- ۱۷..... گفتار چهارم: کیفر سلب حیات برای دفع تجرّی
- ۱۷..... مبحث دوم: کیفر سلب حیات در مقام حق خصوصی (حق الناسی)
- ۱۹..... گفتار نخست: چرایی حق خصوصی در سلب حیات
- ۲۲..... گفتار دوم: تمایز حق خصوصی از حق عمومی در سلب حیات
- ۲۲..... بند نخست: بخشیده‌شدن جانی

- ۱- بخشیدن پس از وقوع جنایت ۲۲
- ۲- بخشیدن پیش از وقوع جنایت ۲۳
- گفتار سوم: فوت جانی ۲۵
- گفتار چهارم: وقوع شبهه ۲۵
- گفتار پنجم: صدمه به دیگری ۲۶

فصل دوم: ضرورت کیفر سلب حیات با تأکید بر الزامات فرهنگی،

اجتماعی و حقوق بشری

- مبحث نخست: الزامات فرهنگی و اجتماعی کیفر سلب حیات در جامعه‌ی ایرانی ۲۹
- مبحث دوم: نقش انگار عمومی و جامعه‌ی مدنی در ابقا یا الغای کیفر سلب حیات ۳۰
- مبحث سوم: تأثیر افکار عمومی در برخی از کشورهای ابقاگر کیفر سلب حیات ۳۱
- گفتار نخست: آمریکا ۳۵
- گفتار دوم: چین ۴۳
- گفتار سوم: روسیه ۴۹
- مبحث چهارم: الزامات حقوق بشری کیفر سلب حیات ۵۲
- گفتار نخست: رویکرد سازمان ملل متحد نسبت به کیفر سلب حیات ۵۴
- بند نخست: منشور ملل متحد ۵۴
- بند دوم: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۵۵
- بند سوم: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۵۶
- بند چهارم: دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۶۰
- بند پنجم: قطعنامه‌ها ۶۱
- ۱- قطعنامه‌های مجمع عمومی ۶۱
- ۲- قطعنامه‌های شورای اقتصادی اجتماعی ۶۱
- ۳- قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر ۶۲

گفتار دوم: رویکرد برخی اسناد منطقه‌ای نسبت به کیفر سلب حیات.....	۶۳
بند نخست: اسناد شورای اروپا و اتحادیه‌ی اروپا.....	۶۳
۱- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.....	۶۳
۲- پروتکل شماره ۶ مربوط به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.....	۶۴
۳- پروتکل شماره ۱۳ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.....	۶۴
۴- قطعنامه‌ی ۱۱۸۷ مصوب ۱۹۹۹ «اروپا قارمای عاری از کیفر مرگ».....	۶۴
بند دوم: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.....	۶۵
بند سوم: منشور آفریقا - حقوق بشر.....	۶۶
بند چهارم: منشور آسیا - حقوق بشر مصوب ۱۹۹۳.....	۶۶
بند پنجم: اعلامیه اساسی حقوق بشر (قاهره).....	۶۷

فصل سوم: شرایط و راهکارهای کاهش کیفر سلب حیات در نظام کیفری ایران

مبحث نخست: کاهش تقنینی کیفر سلب حیات.....	۷۱
گفتار نخست: حذف اعدام تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲.....	۷۱
بند نخست: نحوه‌ی تعیین تعزیر.....	۷۱
بند دوم: «سلب حیات، مصداقی از تعزیر».....	۷۳
بند سوم: کیفر سلب حیات در جرایم مواد مخدر.....	۷۷
گفتار دوم: عفو و بخشش.....	۸۵
گفتار سوم: قاعده درأ.....	۸۶
گفتار چهارم: توبه.....	۸۸
گفتار پنجم: صعوبت در اثبات حدود مستلزم کیفر سلب حیات.....	۹۳
گفتار ششم: تعطیلی حدود در زمان غیبت.....	۹۶
گفتار هفتم: شرایط لازم برای ثبوت و اجرای قصاص.....	۱۰۱
گفتار هشتم: موانع اجرای قصاص.....	۱۰۳

مبحث دوم: کاهش کیفر سلب حیات با تأکید بر مشارکت مردمی.....	۱۰۵
گفتار نخست: سنت‌های بومی برای کاهش قصاص.....	۱۰۶
گفتار دوم: «حق» قصاص و نه «حکم» قصاص.....	۱۰۷
گفتار سوم: تفکیک بین قتل عمد واقعی و قتل عمد اتفاقی (هیجانی).....	۱۰۸
مبحث سوم: کاهش قضایی کیفر سلب حیات.....	۱۱۳
گفتار نخست: تبدیل عنوان مجرمانه‌ی دارای کیفر سلب حیات به عنوان مجرمانه‌ی دیگر....	۱۱۴
بند نخست: در حدود.....	۱۱۵
۱- در حد زنا.....	۱۱۵
۲- در حد لعن.....	۱۱۵
۳- در حد سلب.....	۱۱۷
۴- در حد محاربه.....	۱۱۷
۵- در حد افساد فی الارض.....	۱۱۹
بند دوم: در قصاص.....	۱۱۹
گفتار دوم: تبدیل کیفر سلب حیات به کیفر دیگر.....	۱۲۱
بند نخست: حد محاربه.....	۱۲۱
بند دوم: افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال.....	۱۲۲
بند سوم: اختیار مقام رهبری.....	۱۲۲
نتیجه‌گیری.....	۱۲۴
پیشنهادهای.....	۱۲۸
فهرست منابع.....	۱۳۲

کیفر به عنوان نهادی پویا و تحول‌پذیر در عدالت کیفری، همواره تحت تأثیر مؤلفه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... در معرض تغییر و تحول است. در نظام حقوق کیفری ایران، به دلیل تأثیرپذیری از آموزه‌های مذهبی و اسلامی، تغییرپذیری کیفر با محدودیت‌هایی مواجه است، و این باید توجه داشت که حتی در نظام کیفری اسلامی نیز اگر تغییر، تحول و پویایی نباشد، مفهوم کیفر به معنای اصلی خود دور شده و قادر به ایفای رسالت واقعی خود نیست. کیفر سلب حیات با عنوان شدیدترین نوع کیفر در حقوق کیفری اسلام مطرح است که تحول و پویایی آن در قلمرو کیفرهای مستوجب حد و قصاص همواره با پرسش‌های بنیادین مواجه است. این دغدغه به کارکرد کیفر سلب حیات در جامعه‌ی امروزی در حدود یا قصاص می‌تواند همان تأثیرگذاری، مشروعیت را دارا باشد که در زمان جامعه‌ی پیامبر و ائمه دارا بوده است، دغدغه‌ای قابل تأمل، نه صرفاً است. عادلانه بودن کیفر سلب حیات با توجه به حجم گسترده‌ی اجرای آن در قوانین کیفری ایران نیز، از دیگر دغدغه‌ها است. تأملاتی از این دست می‌تواند انگیزه‌ای در جهت دگرگونی در کیفیت پاسخ‌دهی به جرم در جرایمی که کیفر سلب حیات پاسخگوی آن‌ها است، ایجاد نماید. در جامعه‌ی ایرانی، قانونگذار و دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفری، انتظاری خارق‌العاده از این کیفر دارند، گویا این کیفر، جایگزین تمام قصورها و کاستی‌های سیستم عدالت است. هر جا که جامعه در ایفای نقش خود در بسترسازی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... کوتاهی و غفلت نموده، کیفر سلب حیات همانند منجی ظاهر شده و برای جبران تمام خلاءها و کاستی‌ها، تعیین و اجرا می‌شود. کیفر سلب حیات علی‌رغم تمام هزینه‌های

اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، به واقع، نمی‌تواند یک تنه، بار رسالت عدالت کیفری را بر دوش بکشد و از این منظر به واقع فاقد مشروعیت عقلانی و اخلاقی است. هرچند آمار صحیحی از موارد اجرای کیفر سلب حیات در ایران وجود ندارد ولی طبق گزارش «احمد شهید» گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل، از ابتدای سال ۲۰۱۵ حدود ۷۰۰ نفر در ایران اعدام شدند که این میزان تا پایان سال میلادی به ۱۰۰۰ نفر نیز خواهد رسید. گزارش سازمان ملل از روند اجرای کیفر اعدام در ایران، پایگاه خبری بهار، مورخ ۱۵ آبان ۹۴ وی علی‌رغم ابراز نگرانی از وضعیت اجرای کیفر اعدام در ایران، اعلام نموده که شاهد «تعامل معنادار بیشتری» از سوی مقامات ایران در این زمینه بوده است.

مبارزه با بزه‌کاری به وسیله‌ی اجرای کیفر همواره مهم‌ترین ابزار «سیاست جنایی» دولت‌ها در این زمینه است. در عالم حقوق کیفری، همواره جرایم بیشتر از کیفرها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. توجه به کیفر به عنوان واکنش در مقابل جرم، تنها در سه رشته‌ی تاریخ حقوق، تاریخ حقوق کیفری و تاریخ تحولات کیفری، موضوع مطالعه بوده است. (صفاری، ۱۳۸۶، ص ۶)

در حالی که اجرای کیفر صحیح و شایسته همواره می‌تواند نشان دهنده‌ی «عدالت واقعی» در هر جامعه‌ای باشد، به گونه‌ای که شهروان از افکار عمومی با رویارویی با اجرای کیفر مناسب و عادلانه، به واقع، احساس امنیت خواهند کرد. شاید بتوان گفت دست‌آورد هر نظام کیفری و آنچه که در تشکیلات آن هزینه می‌شود در اجرای کیفر متجلی می‌گردد و اجرای کیفر صحیح، نشانه‌ی مشروعیت حکومت و دولت خواهد بود و بالعکس. توجه به کیفر در تمام مراحل سه‌گانه‌ی تقنینی، قضایی و اجرایی باید جدی‌تر گردد و هم قانونگذار در مرحله تعیین و تخصیص کیفر به جرم، باید حساسیت و آگاهی لازم را داشته باشد و هم قاضی در هنگام تطبیق قانون با مورد خاص و اجرای کیفر باید از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار باشد. حتی در مقام اجرا نیز دست‌اندرکاران اجرای کیفر باید از اهمیت موضوع آگاه باشند و در این صورت است که می‌توان به حصول «عدالت واقعی» در جامعه امیدوار بود. در جامعه‌ی ما، خلاء تحقیقات مناسب در زمینه‌ی کیفر به واقع مشهود است و همین فقد، مانع گردیده تا آثار و عوارض کیفر بر افراد و جامعه مشخص شود، در حالی که

اگر تحقیقات غنی و کافی در این مورد موجود بود، قانونگذار، قضات و دست‌اندرکاران اجرای کیفر را در اصلاح سیاست جنایی موجود یاری می‌داد. در ابتدا علم کیفرشناسی از بعد از عصر روشنگری، به تدریج در مجامع علمی به عنوان «علم اجرای زندان‌ها» مورد توجه قرار گرفت، یعنی تأکید بر مطالعه‌ی مجازات زندان، به تدریج عنوان «کیفرشناسی» جایگزین آن شد تا بستر لازم برای مطالعه‌ی سایر کیفرها فراهم شود.

یکی از انواع کیفر که در الگوی سیاست جنایی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، کیفر سلب حیات است. البته با ایجاد جنبش‌های حقوق بشری و آگاهی جهانی از این کیفر، تغییراتی در جهت وضع و اجرای آن حادث شده است.

در ایران، کیفر سلب حیات با عناوین قصاص، رجم، صلب، قتل و اعدام از فراوانی زیادی برخوردار است. امروزه ضرورت تعامل و ارتباط در سطح جهانی، راهکارهایی را می‌طلبد تا از شمار اجرای کیفر مرگ در ایران کاسته شود. از این رو، ضروری است تا راهکارهای کاهش کیفر مرگ در سیاست جنایی ایران بررسی و اقدامات عملی مطلوب در این زمینه انجام شود. بدیهی است که کیفر سلب حیات در حوزه‌ی حقوق بشری، تکلیف شریعت است که گریزی از آن نیست، ولی در حوزه‌هایی همچون تعزیرات که به دست حاکم و والی مسلمین است، امکان واکاوی و بازنگری در آن مهیاست. از این رو، نیاز است با مشاهده‌ی تجربیات عملی در دادگاه‌ها و سهولت صدور حکم مرگ در برخی موارد، ضرورت تحقیق و پژوهش در این حوزه را لمس نموده و علی‌رغم خاستگاه‌های شرعی، در پی ارائه راهکارهایی برای کاهش کیفر سلب حیات در ایران بوده‌ام. اجرای بیش از پیش کیفر سلب حیات در جوامع مختلف با الگوگیری از اندیشه‌ی «عدالت استحقاقی» و «سیاست تسامح صفر» ضرورت توجه بیش از پیش به این کیفر را نمایان می‌سازد.

از آنجا که «حق حیات» به عنوان والاترین و برترین حق هر انسان است، کیفر سلب حیات در مباحث حقوق بشری نیز اهمیت می‌یابد، زیرا نقض حق حیات، نقض مسلم حقوق اولیه و بدیهی بشری است. از آنجا که نظام حقوق بشری، نظامی فراگیر و جهان شمول است و انسان را مخاطب قرار می‌دهد، دایره‌ی شمول آن محدود به یک سرزمین نمی‌شود و جنبه‌ی فرا سرزمینی می‌یابد. از این رو، با طرح مباحث حقوق بشری، تمام کشورها، خود را

ملزم می‌دانند که نظام حقوق کیفری ملی را منطبق با مختصات نظام حقوق بشری قابل قبول در سطح بین‌المللی کنند. از ویژگی‌های هر حقی که به عنوان حق بشر مطرح شود، غیرقابل اسقاط بودن و غیرقابل سلب بودن آن حق است، یعنی اگر حقی به عنوان حق بشر مطرح شد، قابل سلب و قابل اسقاط نیست. (فریدن، ۱۳۸۲، ص ۵) بنابراین در حقوق کیفری باید از ارزش‌های حقوق بشری حمایت شود و این همان چیزی است که از آن به عنوان «جهانی شدن حقوق کیفری» یاد می‌شود.

«حق حیات» به عنوان والاترین حق بشر در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و اسناد متعدد دیگر، به صراحت مطرح شده است. امروزه الغای کیفر اعدام در جامعه بین‌المللی به عنوان یک دغدغه حقوق بشری، مطرح است. با توجه به اینکه در قوانین کیفری ایران، کیفر سلب حیات در حدود، قصاص و تعزیرات به فراوانی وجود دارد و هر روزه شاهد اجرای بفرسایش حیات در جامعه ایران هستیم، لذا این چالش بین موازین حقوق بشر و قوانین کیفری ایران وجود دارد که نیازمند رفع یا حداقل، تعدیل است.

این اثر با عنوان «امکان‌سنجی و شرایط کاهش کیفر سلب حیات در حقوق کیفری ایران» اهداف ذیل را دنبال نموده است:

- ۱- بررسی جرایم منجر به کیفر سلب حیات در قانون کیفری ایران و تبیین حوزه‌هایی از این جرایم که به طور مستقیم با کیفر سلب حیات مرتبط است
- ۲- شناخت کیفر سلب حیات در جامعه ایرانی با نگاهی تاریخی و توجه و تمرکز بر مختصات جامعه ایرانی و نیز مقایسه‌ی جامعه ایرانی با جوامعی که کیفر سلب حیات در آنها نیز به وفور اجرا می‌شود.

نگارنده برای تحقق این اهداف، پرسش‌های ذیل را مطرح نموده است:

- ۱- آیا امکان کاهش کیفر سلب حیات در قوانین کیفری ایران - با توجه به موازین فقهی حاکم بر آن - وجود دارد؟
- ۲- شرایط کاهش کیفر سلب حیات در قوانین کیفری ایران چیست؟
- ۳- راهکارهای عملی کاهش اجرای کیفر سلب حیات در قوانین کیفری ایران چیست؟

نگارنده پاسخ این پرسش‌ها را با طرح فرضیه‌های ذیل مورد تحلیل قرار داده است:

۱- امکان کاهش و تقلیل کیفر سلب حیات در قوانین کیفری ایران وجود دارد و ظرفیت لازم برای تحقق این کاهش موجود است.

۲- شرط کاهش کیفر سلب حیات در قلمرو حدود، بازاندیشی در تفکرات مربوط به حدود و تمرکز بر حصول شرایط صعب اجرای حدود، شرط کاهش کیفر سلب حیات در قلمرو قصاص، تأکید و تمرکز بیشتر بر بخشش و گذشت به ویژه در قتل‌های اتفاقی (هیجانی) است.

۳- راجعاً به حلی کاهش کیفر سلب حیات در حدود، پرهیز از برچسب عناوین «محارب» و «مفسد فی الارض» در مجازات و تفسیر مضیق از این عناوین مجرمانه است. راهکار عملی کاهش احکام قصاص پرهیز از برچسب قتل عمدی به ویژه در قتل‌های اتفاقی و هیجانی است.

روش تحقیق در این اثر، مبنی بر روش توصیفی- تحلیلی و روشن و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است که با استناد از منابع فارسی، عربی و انگلیسی تقریر یافته است. این کتاب در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول، گستره کیفر سلب حیات در مقام حق عمومی (حق الهی) و حق خصوصی (حق الناس) بیان شده است. در حوزه حق عمومی، حدود مستوجب کیفر سلب حیات و مباحث مربوط تا حدی که به کیفر سلب حیات مربوط می‌شود، بیان شده است. در حوزه حق خصوصی، بحث قصاص و مسائل مربوط به آن مطرح شده است. در فصل دوم، ضرورت کیفر سلب حیات با تأکید بر الزامات فرهنگی، اجتماعی و حقوق بشری آورده شده است. در این فصل نقش افکار عمومی در ابقای یا الغای این کیفر در ایران و برخی کشورهای ابقاگر کیفر سلب حیات بیان شده است. همچنین الزامات حقوق بشری کیفر سلب حیات با تمرکز بر اسناد بین‌المللی در این مورد بیان گردیده است. در فصل سوم، شرایط و راهکارهای کاهش کیفر سلب حیات در حوزه حدود، قصاص و تعزیرات، ارائه گردیده است که در سه حوزه کیفر سلب حیات، کاهش جمعی - مردمی و کاهش قضایی، ساماندهی شده است. در انتها نیز به بیان نتایج و پیشنهادهای قابل ارائه در مورد کاهش کیفر سلب حیات، پرداخته شده است.